

اقتصاد در حالت تعلیق

اقتصاد این روزها بیش از آن که در مسیر بحران یا رونق حرکت کند، در وضعیت تعلیق قرار گرفته است. نه نشانه‌ای از فروپاشی دیده می‌شود و نه علامت روشنی از بازگشت ثبات. بازارها ایستاده‌اند، اما آرام نیستند؛ منتظرند، اما امیدوار هم نیستند. این وضعیت میانی، خطرناک‌تر از شوک‌های ناگهانی است، چون فرسایش را به‌جای انفجار می‌نشاند. بازار ارز نمونه روشن این تعلیق است. نوسان‌ها محدود شده، اما انتظارات مه‌ار نشده‌اند. معامله‌گران نه به هیجان می‌خرند و نه به اطمینان می‌فروشند. همه منتظر «تصمیم» هستند؛ تصمیمی که هنوز شکل نگرفته یا دست‌کم اثر عملی آن دیده نمی‌شود. تجربه سال‌های گذشته به بازار آموخته که واکنش‌های مقطعی، جای سیاست پایدار را نمی‌گیرد. بازار دیگر با حرف قانع نمی‌شود؛ عمل می‌خواهد و استمرار.

در بازار کار، تعلیق چهره انسانی‌تری دارد. دستمزدها افزایش می‌یابند، اما قدرت خرید نه. تورم جلوتر از حقوق حرکت می‌کند و این فاصله، آرام‌آرام به شکافی ساختاری تبدیل شده است. نیروی کار نه انتظار معجزه دارد و نه مطالبه‌ای فراتر از بقا؛ اما همین حداقل هم در حال فرسایش است. از آن سو، بنگاه‌ها نیز زیر فشار هزینه‌ها ایستاده‌اند و توان افزایش دستمزد واقعی ندارند. نتیجه، بن‌بستی است که در آن همه بازنده‌اند: کارگر، کارفرما و در نهایت اقتصاد.

ادامه در همین صفحه

بـورس نیز در همین وضعیت معلق نفس می‌کشد. شاخص‌ها گاه بالا می‌روند، اما اعتماد بالا نمی‌آید. سرمایه‌گذار حرفه‌ای می‌داند که رشد عددی بدون پشتوانه سیستمی، پایدار نیست. بازار سرمایه بیش از هر چیز به افق نیاز دارد؛ افقی که در آن قواعد بازی تغییر نکند و تصمیم‌ها قابل پیش‌بینی باشد. تا وقتی این افق شکل نگیرد، نقدینگی یا در حاشیه می‌ماند یا راه خود را به سمت دارایی‌های دیگر پیدا می‌کند.

همین‌جا است که طلا و بیت‌کوین معنا پیدا می‌کنند. این دارایی‌ها فقط ابزار سرمایه‌گذاری نیستند؛ آیینه انتظارات‌اند. وقتی طلا جذاب می‌شود یا بیت‌کوین

نویسنده: علی آل‌علی

فرهنگ کار مدرن در ستایش یک فضیلت خطرناک اغراق می‌کند: سختکوشی. ما داستان کارآفرینانی که شب با نمی‌خوابند را می‌خوانیم؛ مدیرانی که اولین نفر وارد و آخرین نفر خارج می‌شوند را تحسین می‌کنیم و به طور کلی، حجم تلاش و ساعات کار را با میزان تعهد و احتمال موفقیت، برابر می‌دانیم.

این تناثر بهره‌وری، اگرچه ظاهری فداکارانه و قهرمانانه دارد، اما در حقیقت یک دام ذهنی و میرانی به جا مانده از دوران اقتصاد صنعتی است؛ دورانی که در آن خروجی به طور مستقیم با ساعات کار کارگران در خط تولید، ارتباط داشت. در اقتصاد دانش‌بنیان امروز این معادله به طور کامل در هم شکسته است. موفقیت های بزرگ، دیگر حاصل کار کردن بیشتر نیست، بلکه نتیجه به کار بردن انرژی در نقاط درست و به شیوه ای هوشمندانه است. در واقع، سختکوشی کورکورانه، اغلب نشانه ای از نبود استراتژی و وضوح است، نه یک نشان افتخار. برندهای افسانه ای مانند اپل یا شرکت های سرمایه گذاری مانند برکشایر هاتاوی نه بر پایه فرهنگ «همیشه مشغول بودن» که براساس فرهنگ «تمرکز وسواس گونه» ساخته شده اند. رهبران این سازمان ها دریافته اند که بزرگ ترین دشمن پیشرفت، تنبلی نیست، بلکه حرکت بدون جهت است.

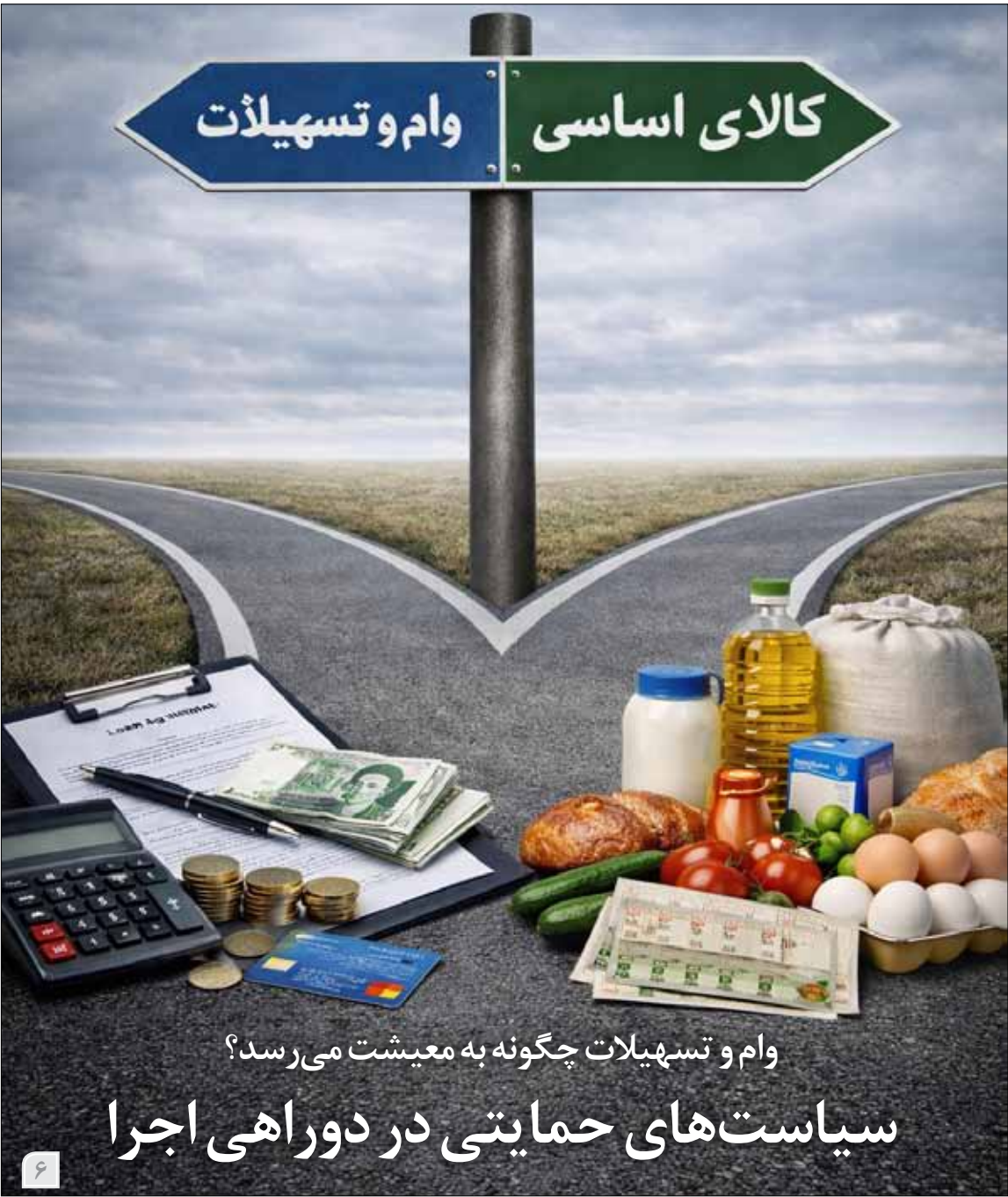
آنها می دانند که انرژی و توجه کمپاب ترین و ارزشمندترین منابع قرن بیست و یکم هستند و تخصیص این منابع، یک تصمیم استراتژیک است که سرنوشت یک فرد یا یک شرکت را تعیین می کند. تفاوت بنیادین میان افراد فوق العاده موفق و افراد متوسط، در میزان سختکوشی آنها نیست؛ بلکه در سیستم عامل ذهنی و رفتاری است که برای مدیریت تلاش های خود طراحی کرده اند. آنها به جای آنکه صرفا پدال گاز را فشار دهند، ابتدا مطمئن می شوند که قطب نما، مقصد درستی را نشان می دهد و سپس نقشه راهی برای رسیدن به آن با کمترین اتلاف انرژی، طراحی می کنند.

اولویت‌بندی بی‌رحمانه

مهمترین و اغلب نادیده گرفته شده ترین اصل

فرصت امروز

برای کسب وکار آفرینی



وام و تسهیلات چگونه به معیشت می‌رسد؟

سیاست‌های حمایتی در دوراهی اجرا

اقتصاد در حالت تعلیق

اصلاح نشوند، حمایت‌ها خود می‌توانند به عامل فشار تازه تبدیل شوند.

مسئله اصلی این نیست که سیاست‌گذار کاری نمی‌کند؛ مسئله این است که زمان‌بندی تصمیم‌ها با

حرکت بازار هماهنگ نیست. بازارها جلوتر می‌دوند، سیاست‌ها دنبالشان می‌آیند. این عقب‌ماندگی، هزینه دارد؛ هزینه‌ای که به شکل ناطلمینانی، احتیاط بیش از حد و فرار سرمایه بروز می‌کند. اقتصاد با فرمان کوتاه‌مدت اداره نمی‌شود، اما تصمیم‌ها اغلب کوتاه‌مدت‌اند.

تعلیق، دشمن بهره‌وری است. وقتی آینده مبهم باشد، کسی سرمایه‌گذاری بلندمدت نمی‌کند؛ نه در تولید، نه

نوسان می‌گیرد، پیام بازار روشن است: بی‌اعتمادی به آینده کوتاه‌مدت اقتصاد رسمی. سرمایه به‌دنبال امنیت است، نه الزاماً سود. این رفتار، نتیجه مستقیم نبود روایت روشن اقتصادی است.

در این میان، سیاست‌های حمایتی نیز وارد میدان شده‌اند؛ وام‌ها، اعتبارهای خرید، کالابُرگ‌ها. این ابزارها می‌توانند در کوتاه‌مدت بخشی از فشار معیشتی را کاهش دهند، اما نمی‌توانند جای سیاست پایدار را

بگیرند. حمایت بدون مهار تورم، مثل ریختن آب در ظرف سوراخ است. خانوار شاید نفس بکشد، اما زمین بازی تغییر نمی‌کند. اگر تصمیم‌های کلان هم‌زمان

بهره‌وری این است که پیش از هر اقدامی بدانیم چه کاری نباید انجام شود. انرژی انسان، یک منبع محدود است و هر بله گفتن به یک کار کم اهمیت، یک نه ناگفته به یک فرصت بزرگ است.

افراد بسیار موثر استاد هنر حذف کردن هستند. آنها به طور مداوم در حال ارزیابی وظایف و فرصت های پیش روی خود هستند و با بی‌رحمی، هر چیزی را که آنها را به هدف اصلی شان نزدیک تر نمی کند، کنار می گذارند. این رویکرد، در تضاد کامل با ذهنیت «انجام دادن همه کارها» قرار دارد که بسیاری از ما به آن دچار هستیم. ما لیست‌های طولانی از وظایف تهیه می کنیم و از تیک زدن هر مورد، احساس رضایت کاذب به دست می آوریم، غافل از آنکه ممکن است تمام روز را صرف مرتب کردن صندلی ها بر روی عرشه یک کشتی در حال غرق شدن کرده باشیم.

وارن بافت، سرمایه‌گذار افسانه ای، یک استراتژی ذهنی ساده برای این کار دارد. او پیشنهاد می کند که ۲۵ هدف اصلی خود را بنویسید، سپس پنج مورد از مهمترین آنها را جدا کنید. قانون این است: شما باید تمام انرژی خود را صرفا روی آن پنج مورد متمرکز کرده و به طور فعال، از ۲۰ مورد دیگر اجتناب کنید، زیرا آنها به اندازه کافی جذاب هستند که حواس شما را پرت کنند، اما به اندازه کافی مهم نیستند که زندگی شما را متحول سازند.

بازگشت استیو جابز به اپل در اواخر دهه ۹۰ نیز با همین استراتژی همراه بود؛ او با حذف ده ها محصول جانبی و تمرکز تمام منابع شرکت بر روی چند محصول کلیدی، اپل را از آستانه ورشکستگی به سوی تبدیل شدن به ارزشمندترین شرکت جهان هدایت کرد. بهره وری واقعی، با «نه» گفتن آغاز می شود.

از مدیریت زمان به مدیریت انرژی

یکی از بزرگ‌ترین خطاهای شناختی ما این است که خودمان را مانند یک ماشین می‌پنداریم که می‌تواند با سرعتی ثابت و برای ساعتی طولانی کار کند. این دیدگاه منجر به شکل‌گیری ایده مدیریت زمان شد: تلاش برای چپاندن هرچه بیشتر وظایف در هر ۲۴ ساعت.

ابهام در روش دوم طرح کالابُرگ

با گذشت حدود یک ماه از آغاز اجرای طرح کالابُرگ الکترونیکی و اعلام شیوه دوم دریافت بارانه کالایی از ۲۸ دی ماه، مشاهدات میدانی خبرنگار ایسنا از برخی فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای نشان می‌دهد که ابهاماتی جدی درباره نحوه اجرای این شیوه وجود دارد؛ ابهاماتی که نه‌تنها برای مردم، بلکه حتی برای مسئولان فروشگاه‌ها نیز بی‌پاسخ مانده است. به گزارش ایسنا، دولت طی یک ماه گذشته و در راستای حذف رانت و کاهش آسیب‌های اقتصادی ناشی از تخصیص ارز...

دولت چگونه می‌خواهد بازی را عوض کند؟

بازار ارز در فاز انضباط

فرصت امروز: بازار ارز بار دیگر به نقطه‌ای رسیده که سیاست‌گذار ناچار است فراتر از وعده و واکنش‌های مقطعی عمل کند. نوسانات هفته‌های اخیر، هرچند به جهش‌های شدید منجر نشده، اما نشان داده که بازار همچنان نسبت به انتظارات و سیگنال‌های سیاسی و اقتصادی حساس است. در چنین فضایی، دولت مجموعه‌ای از اقدامات را در دستور کار قرار داده که محور مشترک آن‌ها افزایش عرضه ارز و سخت‌گیری در بازگشت ارزهای صادراتی است؛ دو سیاستی که اگرچه پیش‌تر نیز مطرح بوده‌اند، اما این بار با ادبیات و تأکید متفاوتی همراه شده‌اند. هسته اصلی پیام دولت این است که منابع ارزی کشور وجود دارد، اما بخشی از آن به‌طور کامل به چرخه رسمی اقتصاد بازمی‌گردد. بر همین اساس، سیاست‌گذار تلاش دارد با الزام صادرکنندگان، به‌ویژه شرکت‌های بزرگ و وابسته به دولت، مسیر بازگشت ارز را شفاف‌تر و پرهزینه‌تر برای متخلفان کند. هم‌زمان، صحبت از...

۲

بورس در وضعیت انتظار؛ رشد شاخص‌ها کافی نیست



مدیریت و کسب‌وکار

دستمزد در سایه تورم

بازار کار در جست‌وجوی تعادل تازه

فرصت امروز: بحث دستمزد و درآمد نیروی کار بار دیگر به یکی از محوره‌ای اصلی گفت‌وگوهای اقتصادی تبدیل شده است؛ محوری که این بار نه فقط یک مطالبه صنفی، بلکه نشانه‌ای از فشارهای انباشته در بازار کار و معیشت خانوارهاست. افزایش مداوم هزینه‌های زندگی در سال‌های اخیر باعث شده فاصله میان دستمزد و سبد معیشت به‌طور محسوسی افزایش یابد و موضوع «ترمیم درآمد» به ضرورتی اقتصادی و اجتماعی بدل شود. واقعیت این است که بازار کار ایران در شرایطی خاص قرار دارد. از یک‌سو، نیروی کار با کاهش قدرت خرید و ناطلمینانی نسبت به آینده مواجه است و از سوی دیگر، بنگاه‌ها با فشار هزینه، محدودیت نقدینگی و رکود نسبی تقاضا دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این دو فشار...

۸

نداشته باشد، اما امکان برنامه‌ریزی دهد. تا وقتی این ثبات ساخته نشود، اقتصاد در حالت تعلیق باقی می‌ماند؛ حالتی که در آن نه سقوط می‌کنیم و نه پیش می‌رویم. و این، پرهزینه‌ترین وضعیت ممکن است.

سرمقاله امروز، نه هشدار آخ‌الزمانی است و نه خوش‌بینی ساده‌دلانه. فقط یک یادآوری است: اقتصاد منظر نمی‌ماند تا تصمیم‌ها برسند؛ مسیر خودش را پیدا می‌کند. اگر تصمیم‌ها به‌موقع نرسند، بازار راه‌های دیگری انتخاب می‌کند؛ راه‌هایی که همیشه به نفع تولید و معیشت نیستند.

شواری سردبیری

ثابت برای کارها، استفاده از الگوها برای ایمیل ها و گزارش های تکراری و دسته بندی کردن وظایف مشابه برای انجام دادن در یک بازه زمانی مشخص. وقتی شما یک سیستم قابل اعتماد برای کارهای تکراری خود داشته باشید، دیگر نیازی نیست هر بار چرخ را از نو اختراع کنید. این کار، نه تنها در زمان شما صرفه جویی می کند، بلکه با حذف تصمیم گیری های غیرضروری، اراده و انرژی ذهنی شما را برای چالش های اصلی روز، حفظ می کند.

سخن پایانی

در نهایت، باید این ایده که سختکوشی به خودی خود یک ارزش است را کنار بگذاریم. تلاش، تنها زمانی ارزشمند است که در جهت درستی به کار گرفته شود. بهره وری واقعی، کمتر به «اخلاق کاری» و بیشتر به «طراحی هوشمندانه» سیستم ها، عادت ها و محیط ما مربوط می شود. این یک مهارت است، نه یک ویژگی شخصیتی ذاتی. این یعنی حرکت از پرسیدن «چگونه می توانم کارهای بیشتری انجام دهم؟» به سوی پرسیدن «گونه می توانم با تلاش کمتر، نتایج بزرگ‌تری خلق کنم؟» و «کدام کارها، در صورت انجام شدن، بقیه کارها را آسان تر یا غیرضروری می کنند؟». موفقیت پایدار محصول یک مسابقه سرعت دیوانه وار نیست؛ بلکه نتیجه یک دوی ماراثن استراتژیک است که در آن، مدیریت انرژی، ریکاواری و تمرکز، به اندازه خود دوییدن اهمیت دارد. معماری یک زندگی و کار موثر، نیازمند آن است که ما خود را نه به عنوان یک کارگر خستگی ناپذیر، بلکه به عنوان یک رهبر استراتژیک برای ارزشمندترین دارایی خود، یعنی زمان و انرژی مان، ببینیم. سوال نهایی این نیست که چقدر مشغول هستید، بلکه این است که این مشغله، شما را به کجا می برد.

منابع:
https://vegoutmag.com/lifestyle/k-working-hard-wont-guarantee-success-unless-you-incorporate-these-productivity-habits-into-your-day

در مهارت، نه حتی در مصرف پایدار. این وضعیت، رشد را نه متوقف، بلکه فرسوده می‌کند. رشد فرسایشی شاید در آمار دیده نشود، اما در زندگی روزمره مردم محسوس است. راه خروج از این وضعیت، نه شوک‌درمانی است و نه وعده‌درمانی. اقتصاد به تصمیم‌های قابل پیش‌بینی، هماهنگ و زمان‌مند نیاز دارد. تصمیم‌هایی که بازار بتواند آن‌ها را قیمت‌گذاری کند، نه این‌که هر روز منتظر تغییر تازهای بماند. هماهنگی میان سیاست‌های پولی، مالی و حمایتی شرط لازم است، نه گزینه‌ای لوکس.

بازارها به دنبال قهرمان نیستند؛ به دنبال ثبات‌اند. مردم هم همین را می‌خواهند. ثباتی که شاید هیجان

تبدیل شود.

این کار شامل اقدامات مشخصی مانند خاموش کردن تمام نوتیفیکیشن ها در بازه های زمانی مشخص، استفاده از هدفون های نویز کنسلینگ و مهمتر از همه، مسدودکردن زمان های مشخصی در تقویم برای کار عمیق و غیرقابل مذاکره است.

یک شرکت پیشرو در زمینه نرم افزارهای خلاقانه، ممکن است سیاست «چهارشنبه های بدون جلسه» را پیاده سازی کند تا به مهندسان و طراحان خود، یک روز کامل برای غرق شدن در کارهای پیچیده و خلاقانه هدیه دهد. در سطح فردی، این یعنی به جای آنکه روز خود را به صورت واکنشی و براساس ایمیل های دریافتی آغاز کنید، آن را به صورت فعالانه و با اختصاص دادن اولین و پرانرژی ترین ساعات روز به مهمترین وظیفه استراتژیک‌تان، طراحی کنید. شما باید معمار محیط کار خود باشید، نه قربانی آن.

آزادسازی ذهن از طریق اتوماسیون

مغز انسان برای تفکر خلاق و حل مسائل پیچیده تکامل یافته است، نه برای به خاطر سپردن لیست خرید یا انجام کارهای تکراری. هر ذره از انرژی ذهنی که صرف مدیریت کارهای روزمره و تصمیم گیری های کوچک و تکراری می شود، از ظرفیت شما برای تفکر استراتژیک می کاهد.

افراد بهره ور، این را درک کرده و تلاش می کنند تا هر چیزی را که قابل سیستم سازی است، از ذهن خود خارج کرده و به یک سیستم خارجی قابل اعتماد منتقل کنند. این سیستم ها می توانند به سادگی یک چک لیست برای شروع روز کاری یا به پیچیدگی یک فرآیند خودکار برای مدیریت ایمیل ها باشند. هدف، کاهش «بار شناختی» و آزادکردن منابع ذهنی برای کارهای

با ارزش تر است. فلسفه کابزن یا بهبود مستمر در شرکت تیوتا نمونه ای درخشان از قدرت سیستم سازی در مقیاس سازمانی است. آنها به طور مداوم در حال بهینه سازی فرایندهای خود هستند تا اتلاف را کاهش داده و کیفیت را افزایش دهند. در سطح فردی نیز این یعنی ساختن روتین های



نگاه

ایلان ماسک: تا ۵ سال آینده هوش مصنوعی از مجموع بشریت باهوش تر می شود

ایلان ماسک اعلام کرد که تا سال ۲۰۳۱ هوش مصنوعی از مجموع همه مردم جهان باهوش تر خواهد شد. به گزارش خبرنگار مهر به نقل از تاس، ایلان ماسک، سرمایه دار مشهور آمریکایی و هم بنیانگذار شرکت خودروسازی تسلا، طی سخنانی اعلام کرد که احتمالاً هوش مصنوعی تا ۵ سال آینده از همه بشریت باهوش تر خواهد شد.

وی که در نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس سخن می‌گفت، تأکید کرد: با در نظر گرفتن سرعت کنونی فرایند توسعه هوش مصنوعی، به نظر من تا پایان سال جاری یا حداکثر سال آینده هوش مصنوعی از انسان باهوش‌تر می‌شود و تا سال ۲۰۳۰ یا ۲۰۳۱ توانمندی های هوش مصنوعی از مجموع هوش کل بشریت فراتر می رود.

ماسک در سال ۲۰۲۳ یک شرکت توسعه هوش مصنوعی هم به راه انداخته و یک پت بات نیز از سوی این شرکت عرضه شده است.

خودرو از شمول قیمت‌گذاری دستوری خارج می‌شود؟

سخنگوی وزارت صمت گفت: اگر شورای رقابت طبق ضوابط خود، خودرو را مشمول تشخیص دهد حتما قیمت‌گذاری دستوری نیز صورت می‌گیرد.

عزت‌الله زارعی سخنگوی وزارت صمت در گفتگو با خبرنگار مهر درباره اینکه آیا خودرو از شمول قیمت‌گذاری دستوری خارج می‌شود یا خیر اظهار کرد: طبق برنامه هفتم توسعه اساساً قیمت‌گذاری نداریم مگر آن دسته از کالاهایی که شورای رقابت انحصاری تشخیص دهد.

وی افزود: اگر شورای رقابت طبق ضوابط خود، خودرو را مشمول تشخیص دهد حتما قیمت‌گذاری دستوری نیز صورت می‌گیرد. اما اگر کالایی مشمول نباشد قیمت‌گذاری هم نمی‌شود.

زارعی تصریح کرد: بنابراین در این خصوص باید شورای رقابت نظر دهد که صنعت و بازار خودرو را انحصاری تشخیص می‌دهد یا خیر. در این صورت در رابطه نحوه قیمت گذاری این کالا می توان تصمیم گیری کرد.

گفتنی است، ۲۷ مرداد ماه مطابق مصوبه جلسه ۵۴۳ شورای رقابت خودروسازان از این پس می‌توانند قیمت محصولات خود را به‌طور مستقیم و بر مبنای فرمول «کاست‌پلاس» تعیین و عرضه کنند و وظیفه سازمان حمایت صرفاً نظارت بر صحت قیمت‌ها بر اساس محاسبات خواهد بود.

معاون برنامه ریزی ساتیا؛

پروانه‌های صادر شده برای متقاضیان نیروگاه‌های تجدیدپذیر ۴ برابر شده است

معاون برنامه ریزی سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری برق ایران (ساتیا) گفت: میزان صدور پروانه برای متقاضیان نیروگاه‌های تجدیدپذیر در دولت چهاردهم از رشد چهار برابری برخوردار شده است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی ایرنا، امیر دودایی نژاد روز پنجشنبه در حاشیه مراسم اختتامیه رویداد نوآوری مسئله محور ساتیا در جمع خبرنگاران افزود: همچنین ظرفیت نیروگاه های تجدیدپذیر کشور نیز در دولت چهاردهم سه برابر شده است.

وی ادامه داد: تلاش می شود ظرفیت انرژی های تجدیدپذیر کشور تا آخر امسال به پنج هزار مگاوات برسد. معاون برنامه ریزی ساتیا خاطرنشان کرد: با تحقق این میزان رشد، ظرفیت نسبت به ابتدای دولت چهاردهم، چهار برابر خواهد شد.

دودایی نژاد از اقبال گسترده متقاضیان نیروگاه های تجدیدپذیر در ماه های گذشته خبر داد و گفت: اما زیرساخت ها و ساختارهای ما برای این حجم گسترده آماده نبود بنابراین تلاش شد از فناوری‌های نوین استفاده شود.

وی ادامه ده داد: طبیعی است که با این سه و چهار برابر شدن ها نمی توانیم امکانات اداری را گسترش دهیم بنابراین تلاش شد در چند حوزه از ظرفیت تحول دیجیتال و هوش مصنوعی استفاده شود.

معاون برنامه ریزی ساتیا حوزه نخست را راهنمایی سرمایه گذاران دانست و افزود: اکنون تلاش شده از ابزارهای چت بات های هوش مصنوعی که برای پاسخگویی به نیاز سرمایه‌گذاران طراحی شده استفاده شود.

دودایی نژاد دومین حوزه را فرآیند صدور مجوز و قرارداد دانست و خاطرنشان کرد: با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی فرایندها غیر متمرکز شده و دیگر نیاز به مراجعه مستقیم به ساتیا نخواهد بود.

وی از اجرایی شدن این کار در استان ها خبر داد و گفت: نخستین دفتر خدمات الکترونیک دولت به مناسبت دهه فجر امسال به بهره برداری خواهد رسید.

معاون برنامه‌ریزی ساتیا افزود: تا پایان امسال دفاتر خدمات الکترونیک ارائه دهنده خدمات مورد نیاز سرمایه‌گذاران نیروگاه های تجدیدپذیر در سراسر کشور راه اندازی خواهد شد.

دودایی نژاد مساله سوم را نظارت بر پروژه ها دانست و گفت: این روند پیش از این سنتی انجام می شد اما اکنون با کمک هوش مصنوعی و تحلیل تصویر این کار انجام خواهد شد. وی خاطرنشان کرد: این سه مورد اعلام عمومی شد و بیش از ۴۰ شرکت برای ارائه این خدمات اعلام آمادی کردند. معاون برنامه‌ریزی ساتیا گفت: پس از بررسی های لازم امروز ۱۰ شرکت ایده و محصول خود را معرفی خواهد کرد و به این ترتیب یک توسعه فناوریانه مبتنی بر نیاز شکل خواهد گرفت.

وام و تسهیلات چگونه به معیشت می‌رسد؟

سیاست‌های حمایتی در دوراهی اجرا



آن‌ها می‌گویند تسهیلات حمایتی حداقل می‌تواند نقش یک مُسکن کوتاه‌مدت را ایفا کند و مانع از تشدید نارضایتی اجتماعی شود. در این نگاه، مهم‌تر از پیامدهای بلندمدت، مدیریت شرایط فعلی و جلوگیری از سقوط بیشتر قدرت خرید خانوارهاست.

نکته قابل توجه این است که سیاست‌های حمایتی اعتباری، زمانی بیشترین اثر را دارند که با سایر ابزارها ترکیب شوند. استفاده هم‌زمان از کالابِرج، حمایت‌های غیرنقدی و سیاست‌های کنترل قیمت در برخی بازارهای حساس، می‌تواند فشار تورمی و بدهی خانوار را کاهش دهد. به بیان دیگر، وام به‌تنهایی نمی‌تواند بار سیاست حمایتی را به دوش بکشد.

در نهایت، آنچه درباره سیاست‌های جدید تسهیلاتی اهمیت دارد، مرز باریک میان حمایت و تشدید تورم است. اگر تسهیلات به‌گونه‌ای طراحی شود که هم هدفمند باشد و هم با ظرفیت‌های اقتصادی هماهنگ شود، می‌تواند بخشی از فشار معیشتی را کاهش دهد. اما اگر این سیاست‌ها بدون توجه به محدودیت‌های اقتصاد کلان اجرا شود، خطر آن وجود دارد که به چرخه‌ای از بدهی و تورم دامن بزند. سیاست‌های حمایتی امروز بیش از هر زمان دیگری در معرض قضاوت عمومی قرار دارند. خانوارها نه‌فقط به اعلام بسته‌ها، بلکه به اثر واقعی آن‌ها در زندگی روزمره نگاه می‌کنند. نتیجه این سیاست‌ها، نه در تعداد وام‌های پرداخت‌شده، بلکه در این پرسش ساده مشخص خواهد شد: آیا فشار معیشت کمتر شده است یا فقط شکل آن تغییر کرده است؟

که وام حمایتی اگر بدون طراحی دقیق ارائه شود، می‌تواند از یک ابزار کمک‌کننده به عاملی برای تشدید فشار معیشتی بدل شود. در کنار افزایش سقف وام‌ها، بحث تسهیل دسترسی به تسهیلات نیز مطرح است. حذف یا کاهش ضامن، کوتاه‌تر شدن فرآیندهای اداری و استفاده از اعتبارسنجی به‌جای وثیقه‌های سنتی، از جمله اقداماتی است که برای افزایش شمول این سیاست‌ها در نظر گرفته شده است. این تغییرات می‌تواند دامنه بهره‌مندی از تسهیلات را گسترده‌تر کند، اما هم‌زمان نگرانی‌هایی درباره ریسک نکول و فشار بر نظام بانکی ایجاد می‌کند. یکی از حساس‌ترین ابعاد این سیاست‌ها، اثر تورمی آن‌هاست. تزریق گسترده تسهیلات، اگر با رشد تولید و عرضه کالا و خدمات همراه نباشد، می‌تواند به افزایش تقاضای موثر و در نتیجه فشار تورمی منجر شود. این نگرانی به‌ویژه در شرایطی مطرح است که اقتصاد با محدودیت عرضه و رشد پایین تولید مواجه است. در چنین فضایی، وام‌دهی گسترده می‌تواند بخشی از تلاش‌های دولت برای مهار تورم را خنثی کند. اقتصاددانان بر این باورند که سیاست‌های اعتباری باید هدفمند و زمان‌مند باشد. تسهیلاتی که بدون اولویت‌بندی و ارزیابی دقیق نیازها پرداخت شود، احتمالاً به نتایج مورد انتظار نخواهد رسید. از نگاه این گروه، تمرکز بر خانوارهای کم‌درآمد، پیوند دادن تسهیلات به هزینه‌های مشخص و جلوگیری از استفاده مصرفی غیرضروری، می‌تواند اثرگذاری این سیاست‌ها را افزایش دهد.

از سوی دیگر، برخی مدافعان این رویکرد معتقدند در شرایط فشار معیشتی، انتظار اثرگذاری کامل و بدون عارضه واقع‌بینانه نیست.

ابهام در روش دوم طرح کالابرج

به خریدار اطلاع داده شود.

فروش گران‌تر برخی اقلام نسبت به بازار آزاد

در کنار ابهام در اجرا، برخی مشاهدات میدانی حاکی از آن است که برخی اقلام اساسی از جمله تخم‌مرغ، گوشت و برنج در بعضی فروشگاه‌های بزرگ با قیمتی بالاتر از نرخ عرضه‌شده در فروشگاه‌های خرد و واحدهای خارج از شبکه‌های زنجیره‌ای به فروش می‌رسند؛ موضوعی که با هدف اعلام‌شده طرح، یعنی تثبیت قیمت‌ها و حمایت از مصرف‌کننده، در تناقض به نظر می‌رسد.

گلایه مردم: کالابرجی که به کارت‌ها نرسیده است

در این میان، بخشی از مراجعه‌کنندگان به فروشگاه‌ها نیز از عدم تخصیص کالابرج گلایه دارند. برخی شهروندان به خبرنگار ایسنا می‌گویند: «با وجود اینکه اعلام شد کالابرج به همه تعلق می‌گیرد، اما نه در کارت‌هایمان اعتباری دیده می‌شود و نه فروشگاه‌ها چیزی در این باره می‌دانند. حتی با مراجعه به سامانه معرفی‌شده هم به نتیجه‌ای نرسیدایم.»

برخی دیگر نیز کیفیت کالاهای عرضه‌شده را محل انتقاد قرار می‌دهند و معتقدند اقلامی مانند گوشت، در مقایسه با فروشگاه‌های سطح شهر و واحدهای توزیع سنتی، از کیفیت پایین‌تری برخوردارند؛ در حالی که قیمت آن‌ها نیز بعضاً بالاتر است.

با گذشت حدود یک ماه از آغاز اجرای طرح کالابرج الکترونیکي و اعلام شیوه دوم دریافت یارانه کالایی از ۲۸ دی ماه، مشاهدات میدانی خبرنگار ایسنا در برخی فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای نشان می‌دهد که ابهاماتی جدی درباره نحوه اجرای این شیوه وجود دارد؛ ابهاماتی که نه‌تنها برای مردم، بلکه حتی برای مسئولان فروشگاه‌ها نیز بی‌پاسخ مانده است.

به گزارش ایسنا، دولت طی یک ماه گذشته و در راستای حذف رانت و کاهش آسیب‌های اقتصادی ناشی از تخصیص ارز ترجیحی، تصمیم گرفت یارانه کالاهای اساسی را به‌جای ابتدای زنجیره، در قالب کالابرج الکترونیکي به مصرف‌کننده نهایی اختصاص دهد. در گام نخست این طرح، مقرر شد به ازای هر یک از اعضای خانوار، مبلغ یک‌میلیون تومان به حساب سرپرست خانوار واریز شود تا صرف خرید ۱۱ قلم کالای اساسی شود.

با این حال، حدود دو هفته پس از آغاز اجرای طرح، دولت از اعلام شیوه دوم دریافت یارانه کالایی خبر داد؛ شیوه‌ای که بر اساس آن، خانوارهایی که از دریافت یارانه نقدی صرف‌نظر می‌کنند، می‌توانند ۹ قلم کالای اساسی را به‌مدت سه ماه با قیمت ثابت دریافت کنند. بر اساس اعلام رسمی، دولت متعهد شده است مابه‌التفاوت افزایش قیمت این کالاهای را تقبل کرده و مصرف‌کننده صرفاً مبلغ مشخص و ثابتی را برای هر قلم کالا پرداخت کند.

بهام در فروشگاه‌ها: «هنوز چیزی به ما ابلاغ نشده»

مشاهدات میدانی خبرنگار ایسنا از تعدادی فروشگاه بزرگ زنجیره‌ای در سطح شهر نشان می‌دهد که با وجود گذشت چند روز از اعلام رسمی شیوه دوم یعنی (یکشنبه ۲۸ دی ماه)، اجرای عملی آن با ابهام همراه است. برخی مسئولان فروشگاه‌ها در گفت‌وگو با ایسنا، عنوان می‌کنند که دستورالعمل مشخصی درباره نحوه اعمال کالابرج در شیوه دوم، نوع کالاهای مشمول، میزان سهمیه و قیمت نهایی به آن‌ها ابلاغ نشده است.

یکی از مسئولان فروشگاه‌های می‌گوید: «فعلاً فقط همان روال قبلی فعال است و درباره شیوه جدید، نه سامانه‌ها به‌روزرسانی شده و نه جزئیاتی به ما اعلام شده است.»

در حالی که پیش از این اعلام شده بود که بر اساس شیوه دوم، بسته‌ای از کالاهای که حدود ۷۵۰ کیلوکالری را فراهم می‌کند، مردم می‌توانند با پرداخت حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان بسته به نوع کالا (برنج ۱۶۰ هزار تومان و یا ۱۹۰ هزار تومان) آن بسته را دریافت کنند که این بسته در بهمن، اسفند و فروردین عرضه خواهد شد، با این شرط که مبلغ ریالی پرداختی مردم ثابت خواهد ماند.

کالاهای مشمول این بسته شامل ۹ قلم (مرغ ۱.۵ کیلو گرم، روغن ۸۱۰ گرم، تخم مرغ یک کیلو گرم، برنج یک کیلو گرم، قند و شکر ۵۰۰ گرم، ماکارونی ۷۰۰ گرم، شیر کم چرب بسته نایلونی ۹۰۰ گرم، پنیر یو اف ۴۰۰ گرمی، ماست کم چرب ۹۰۰ گرمی) است که افراد می‌توانند بسته به نوع کالا با پرداخت ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان این اقلام را از فروشگاه دریافت کنند. این اختلاف قیمت هم بستگی به نوع برنج و یا مرغ منجمد و یا کشتار روز دارد. قیمت دقیق باید توسط فروشنده

^[1] وام و تسهیلات چگونه به معیشت می‌رسد؟

^[2] آن‌ها می‌گویند تسهیلات حمایتی حداقل می‌تواند نقش یک مُسکن کوتاه‌مدت را ایفا کند و مانع از تشدید نارضایتی اجتماعی شود

^[3] نگاه، مهم‌تر از پیامدهای بلندمدت، مدیریت شرایط فعلی و جلوگیری از سقوط بیشتر قدرت خرید خانوارهاست

^[4] نکته قابل توجه این است که سیاست‌های حمایتی اعتباری، زمانی بیشترین اثر را دارند که با سایر ابزارها ترکیب شوند

^[5] استفاده هم‌زمان از کالابِرج، حمایت‌های غیرنقدی و سیاست‌های کنترل قیمت در برخی بازارهای حساس، می‌تواند فشار تورمی و بدهی خانوار را کاهش دهد

^[6] به بیان دیگر، وام به‌تنهایی نمی‌تواند بار سیاست حمایتی را به دوش بکشد

^[7] در نهایت، آنچه درباره سیاست‌های جدید تسهیلاتی اهمیت دارد، مرز باریک میان حمایت و تشدید تورم است

^[8] اگر تسهیلات به‌گونه‌ای طراحی شود که هم هدفمند باشد و هم با ظرفیت‌های اقتصادی هماهنگ شود، می‌تواند بخشی از فشار معیشتی را کاهش دهد

^[9] اما اگر این سیاست‌ها بدون توجه به محدودیت‌های اقتصاد کلان اجرا شود، خطر آن وجود دارد که به چرخه‌ای از بدهی و تورم دامن بزند

^[10] سیاست‌های حمایتی امروز بیش از هر زمان دیگری در معرض قضاوت عمومی قرار دارند

^[11] خانوارها نه‌فقط به اعلام بسته‌ها، بلکه به اثر واقعی آن‌ها در زندگی روزمره نگاه می‌کنند

^[12] نتیجه این سیاست‌ها، نه در تعداد وام‌های پرداخت‌شده، بلکه در این پرسش ساده مشخص خواهد شد: آیا فشار معیشت کمتر شده است یا فقط شکل آن تغییر کرده است؟

اقتصاد فرمانده واحد می خواهد

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین با تاکید بر اینکه کسی با اصل تکنرخی‌سازی ارز مخالف نیست، معتقد است: تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد اجرای این سیاست بدون مهار تورم، انضباط مالی، شفافیت و فرماندهی واحد اقتصادی، به ثبات اقتصادی منجر نمی‌شود.

مجیدرضا حریری در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی ایرنا با اشاره به سیاست دولت برای تک نرخی شدن ارز اظهار داشت: در سطح نظری، تقریباً هیچ اقتصاددانی با اصل تکنرخی بودن ارز مخالفتی ندارد، اما این سیاست دارای مقدمه و موخره ای است که بدون آن‌ها، نتیجه‌ای جز شکست به همراه نخواهد داشت.

وی اظهار داشت: نخستین پرسش اساسی در حوزه ارز این است که برنامه دولت پس از قطع ارزهای ترجیحی و ادغام تالارها چیست؟ اگر در نتیجه این سیاست نرخ ارز به حدوده ۳۵ هزار تومان افت کرد و یا حتی به ۲۰۰ هزار تومان رسید، آیا دولت برای تنظیم بازار مداخله خواهد کرد یا خیر؟ اساساً باید مشخص شود که دولت برای سناریوهای مختلف چه برنامه‌ای دارد زیرا هر تصمیم اقتصادی نیازمند ارزیابی پیشینی و پسینی است؛ یعنی هم باید آثار قبل از اجرا بررسی شود و هم پیامدهای بعد از آن، در سناریوهای مختلف، پیش‌بینی و برای آن راه‌حل تعریف شود. رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین با اشاره به اینکه گفته شده قرار بود این طرح در زمان دیگری انجام شود اما زودتر اجرا شده است، گفت: در شرایط کنونی تصمیمات اقتصادی باید به صورت منسجم و یکپارچه گرفته شوند و هر نوع تصمیم‌گیری غیرمتمرکز در حوزه اقتصاد آسیب‌زا است.

حریری با بیان اینکه ایران در یک جنگ اقتصادی و شرایط تحریم‌های اقتصادی قرار دارد، اظهار داشت: در چنین شرایطی، باید مشخص باشد فرمانده اتاق جنگ اقتصادی چه کسی است؛ فرمانده‌ای که تصمیم‌گیر نهایی باشد و مسئولیت مستقیم بپذیرد. این فعال اقتصادی با تاکید بر اینکه تا زمانی که فرماندهی واحد اقتصادی وجود نداشته باشد، تصمیمات به شکست می‌انجامد، افزود: باید از تجربه نرخ‌های مختلف ارز در سال‌های گذشته اعم از دلار ۱۲۰۰ تومان، ۴۲۰۰ تومان، ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان و دیگر نرخ‌ها درس‌آموخت و خطاها را به حداقل رساند.

حفظ ارزش پول ملی مبنای کار باشد

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین گفت: یکی از وظایف اصلی حاکمیت، دولت و به‌ویژه بانک مرکزی، حفظ ارزش پول ملی است؛ موضوعی که هم در اساننامه بانک مرکزی و هم در وظایف وزارت اقتصاد به‌صراحت ذکر شده است. اینکه کاهش ارزش پول ملی عادی‌سازی شده و گاهی اهمیت آن نادیده گرفته می‌شود، جای تعجب جدی دارد.



حریری استمرار تورم‌های بالا در اقتصاد ایران نیز اشاره کرد و افزود: در شرایطی که اقتصاد کشور چند سال متوالی با تورم بالای ۴۰ درصد مواجه بوده، هر تصمیم اقتصادی باید پیش از اجرا به یک پرسش کلیدی پاسخ دهد و آن اینکه این تصمیم منجر به افزایش غیرقابل‌کنترل تورم می‌شود یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، حتی اگر تصمیم مورد نظر از نظر تئوریک بهترین گزینه باشد، نباید اجرا شود و لازم است متوقف شده و ابعاد آن مجدد بررسی شود.

دو پیش‌فرض اساسی برای رسیدن به اقتصاد آزاد

این فعال اقتصادی با تاکید بر اینکه اقتصاد آزاد با اقتصاد ره‌اشده و بی‌ضابطه تفاوت اساسی دارد، اظهار داشت: در تمام کشورهایی که به سمت اقتصاد آزاد حرکت کرده‌اند، دو پیش‌فرض اساسی قبل از آزادسازی وجود داشته است. نخست شفافیت، و دوم رقابت. آزادسازی، مرحله سوم است. اگر شفافیت در روابط اقتصادی حاکم نباشد و رقابت واقعی شکل نگیرد، آزادسازی نه‌تنها به بهبود منجر نمی‌شود بلکه به شکل دیگری از توزیع رانت تبدیل خواهد شد. حریری افزود: در اقتصادی که گرفتار فساد ساختاری است، چه ارز تکنرخی باشد و چه چندنرخی، چه مرزها بسته باشند و چه باز، در هر صورت یک گروه خاص و اندک (الیگارش‌ها) سود خود را خواهند برد. نتیجه نهایی، تداوم نابرابری و بی‌ثباتی است.

وی با ابراز نگرانی از اینکه این بار نیز تکنرخی‌سازی ارز به نتیجه نرسد، تاکید کرد: باید استراتژی دولت در حوزه ارز و سیاست‌گذاری فضای اقتصادی کشور روشن باشد تا مطمئن باشیم یکسان‌سازی نرخ ارز اینبار به نتیجه می‌رسد. رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین ادامه داد: در نهایت باید تاکید کرد که تکنرخی یا چندنرخی بودن ارز، خود سیاست نیست، بلکه ابزاری برای اجرای یک استراتژی است. اگر استراتژی مبتنی بر شفافیت، رقابت و برنامه بلندمدت وجود نداشته باشد، تفاوتی نمی‌کند ارز تکنرخی باشد یا چندنرخی زیرا ارز صرفاً یک ابزار است، نه هدف.

فرصت امروز: بازار سرمایه در روزهای اخیر نشانه‌هایی از تحرک را به نمایش گذاشته که مدت‌هاست در بورس دیده نشده بود. رشد شاخص کل، افزایش نسبی ارزش معاملات و بازگشت تدریجی برخی سرمایه‌گذاران باعث شده دوباره این پرسش مطرح شود که آیا بورس در آستانه خروج از رکود قرار گرفته یا صرفاً شاهد یک موج کوتاه‌مدت هستیم. پاسخ این پرسش، بیش از آن‌که در اعداد شاخص نهفته باشد، در رفتار بازار و میزان اعتماد سرمایه‌گذاران قابل جست‌وجوست. شاخص کل بورس طی چند روز گذشته رشد محسوسی را تجربه کرده و در برخی معاملات، نمادهای بزرگ نقش اصلی را در این صعود ایفا کرده‌اند. این اتفاق از یک‌سو می‌تواند نشانه بهبود انتظارات نسبت به آینده باشد و از سوی دیگر، تصویر دقیقی از ترکیب این رشد ارائه می‌دهد: بازگشت محتاطانه سرمایه‌های بزرگ، نه رونق فراگیر بازار. شاخص هم‌وزن، که نمایانگر وضعیت سهام کوچک‌تر است، رشد محدودتری داشته و همین تفاوت، نشانه‌ای از تداوم احتیاط در بازار است.

این دوگانگی ریشه در تجربه‌ها و حتی سال‌های اخیر بورس دارد. بازار سرمایه بارها دوره‌هایی از رشدهای سریع و افت‌های سنگین را پشت سر گذاشته و بسیاری از سهامداران خرد، اعتماد خود را از دست داده‌اند. در چنین فضایی، طبیعی است که سرمایه‌گذاران ترجیح دهند به‌جای ورود هیجانی، ابتدا پایداری شرایط را بسنجند. رشد شاخص کل، اگرچه مهم است، اما برای بازگشت اعتماد عمومی کافی نیست. عامل دیگری که در شکل‌گیری فضای فعلی بورس نقش دارد،

تحولات بازار ارز است. ثبات نسبی نرخ ارز در هفته‌های اخیر، تا حدی از نااطمینانی‌ها کاسته و امکان پیش‌بینی‌پذیری بیشتری برای بنگاه‌ها ایجاد کرده است. برای شرکت‌های صادرات‌محور یا صناعی که مواد اولیه وارداتی دارند، آرام‌تر شدن بازار ارز به معنای کاهش ریسک است. همین عامل باعث شده بخشی از تقاضا به سمت نمادهای بزرگ و بنیادی سوق پیدا کند.

با این حال، بازار سرمایه تنها به نرخ ارز واکنش نشان نمی‌دهد. سیاست‌های کلان اقتصادی، نرخ بهره، وضعیت نقدینگی و چشم‌انداز بودجه دولت از جمله متغیرهایی هستند که مسیر بورس را تعیین می‌کنند. نرخ‌های سود بالا همچنان یکی از موانع اصلی ورود نقدینگی جدید به بازار سهام محسوب می‌شود. زمانی که ابزارهای بدون ریسک بازدهی قابل‌توجهی دارند، سرمایه‌گذاری در بورس برای بسیاری از فعالان توجیه اقتصادی کمتری پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، بسته‌های حمایتی و وعده‌های سیاست‌گذار درباره حمایت از تولید و بازار سرمایه، با واکنش محتاطانه بورس مواجه شده است. سرمایه‌گذاران تجربه کرده‌اند که میان اعلام سیاست و اجرای آن فاصله وجود دارد. به همین دلیل، بازار ترجیح می‌دهد به‌جای واکنش به خبر، منتظر نشانه‌های عملی بماند. افزایش واقعی سودآوری شرکت‌ها، کاهش هزینه‌های مالی و ثبات مقررات، عواملی هستند که می‌توانند اعتماد از دست‌رفته را بازگردانند.

رفتار سهامداران حقیقی نیز در این میان قابل توجه است. آمارها نشان می‌دهد مشارکت این گروه افزایش یافته، اما حجم

یک عضو اتاق بازرگانی عنوان کرد

فقط ایمیل در اتاق‌های بازرگانی فعال است

ها هم از خارج از کشور برای شان گوشی‌ها و خط‌های بین المللی شان را شارژ کردند چون در ایران این امکان وجود ندارد. شکرخدايي تصريح کرد: یک‌سری از تاجار هم به نزدیکی مرزها مثل مرز باشماق رفتند تا از رومینگ استفاده کنند که راه عجیب و غریبی است.

وی با بیان اینکه خود رئیس اتاق و هیات رئیسه جلسات متعددی در این خصوص داشته‌اند گفت: البته سیاست اتاق این نبوده که این موارد را رسانه‌ای کند. بخش خصوصی یک سیاست داشته و آن اینکه اینترنت باید برای همه مردم وصل شود، چرا که همه در اتاق بازرگانی با اینترنت طبقاتی مخالف هستند.

دستمزد در سایه تورم

بازار کار در جست‌وجوی تعادل تازه

دارد. از این منظر، ترمیم درآمد نیروی کار می‌تواند نه هزینه، بلکه سرمایه‌گذاری تلقی شود. نکته مهم دیگر، شفاف میان بخش‌های مختلف بازار کار است. وضعیت دستمزد و امنیت شغلی در بخش دولتی، خصوصی و غیررسمی تفاوت‌های معناداری دارد. در حالی که بخشی از نیروی کار از افزایش‌های منظم حقوق برخوردار است، بخش بزرگی از شاغلان در حوزه‌های غیررسمی یا قراردادهای موقت، از حداقل‌های حمایتی نیز محروم‌اند. این نابرابری، چالش سیاست‌گذاری را پیچیده‌تر می‌کند و نشان می‌دهد که یک نسخه واحد برای همه بخش‌های بازار کار کارآمد نخواهد بود.

در چنین شرایطی، بسیاری از تحلیلگران بر ضرورت بسته جامع سیاستی تأکید دارند؛ بسته‌ای که دستمزد، تورم، تولید و اشتغال را به‌صورت هم‌زمان ببیند. افزایش دستمزد بدون کنترل تورم، به کاهش واقعی درآمد می‌انجامد؛ و کنترل تورم بدون توجه به معیشت نیروی کار، فشار اجتماعی ایجاد می‌کند. تعادل میان این دو، نیازمند تصمیم‌هایی است که هم کوتاه‌مدت را مدیریت کند و هم افق بلندمدت را در نظر بگیرد. در نهایت، بازار کار امروز در نقطه‌ای ایستاده که تصمیم‌های دستمزدی فراتر از اعداد و درصدها معنا پیدا می‌کند. آنچه نیروی کار انتظار دارد، نه وعده‌های بزرگ، بلکه ثبات بتواند این سه مؤلفه را هم‌زمان تأمین کند، می‌توان امیدوار بود که بازار کار از وضعیت فرسایشی فعلی عبور کند. در غیر این صورت، مسئله دستمزد همچنان به یکی از گره‌های بازنشده اقتصاد ایران تبدیل خواهد شد.

مزایای غیرنقدی، حمایت‌های رفاهی، بیمه و سیاست‌های مکمل نیز مطرح شده است. این رویکرد نشان می‌دهد که تصمیم‌گیران به محدودیت‌های افزایش دستمزد اسمی واقف‌اند و می‌دانند که بدون مهار تورم، هر افزایش درآمدی شکننده خواهد بود.

با این حال، از منظر نیروی کار، فاصله میان حرف و عمل همچنان محسوس است. بسیاری از کارگران و کارمندان معتقدند سیاست‌های حمایتی یا دیر اجرا می‌شود یا اثر آن به‌سرعت در موج افزایش قیمت‌ها مستهلک می‌شود. همین تجربه، باعث شکل‌گیری نوعی بدبینی در بازار کار شده است؛ بدبینی‌ای که خود می‌تواند بهره‌وری، انگیزه و حتی مشارکت نیروی کار را تحت تأثیر قرار دهد.

از سوی دیگر، کارفرمایان نیز نگرانی‌های خاص خود را دارند. افزایش دستمزد، در شرایطی که هزینه انرژی، مواد اولیه و تأمین مالی بالا رفته، می‌تواند فشار مضاعفی بر بنگاه‌ها وارد کند. برای بسیاری از واحدهای کوچک و متوسط، که ستون فقرات اشتغال کشور محسوب می‌شوند، هر تصمیم دستمزدی بدون در نظر گرفتن توان اقتصادی بنگاه، می‌تواند به کاهش اشتغال یا حرکت به سمت فعالیت‌های غیررسمی منجر شود. این وضعیت، نه‌تنها به نفع کارفرما نیست، بلکه در نهایت به زیان نیروی کار تمام می‌شود.

کارشناسان بازار کار بر این باورند که مسئله دستمزد را نمی‌توان جدا از بهره‌وری و رشد اقتصادی بررسی کرد. در اقتصادي که رشد پایدار ندارد، افزایش دستمزد واقعی دشوار است. اما در عین حال، پایین بودن دستمزد واقعی نیز خود می‌تواند مانعی برای رشد بهره‌وری باشد. نیروی کاری که نگران تأمین حداقل‌های زندگی است، توان و انگیزه کمتری برای ارتقای مهارت و مشارکت مؤثر در تولید